



Freedom of Expression and Idea-Expression Dichotomy

Mehdi Zahedi*

Associate Professor, Private Law, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Shirin Sharifzadeh

Ph.D Student, Private Law, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract

Freedom of expression includes the freedom to express, access and dissemination of information, whereas copyright, by protecting the original works of authorship, restricts use, access and dissemination of the protected works. When an expression is protected by copyright, freedom of expression or press can be restricted. Some are of the opinion that these two rights are, in fact, not in conflict with each other but rather derived from the same social values seeking to protect each right. Common goals such as flow of cultural ideas or promoting creativity in the society causes interaction and synergy between the two. Idea-expression dichotomy by determining the scope of the copyright and distinguishing what belongs to the public domain, which is not a protected, will ensure a constructive interaction between the two and protects the public interest and does not restrict freedom of expression. This article will discuss how to strike a balance between the public interest in freedom of expression and the private interests of the copyright owners without undermining the other. Idea-expression dichotomy as a counterbalance between these two rights is the cornerstone of this article.

Keywords: Freedom of Expression, Idea-Expression Dichotomy, Copyright, Access to Information, Public Interest.

* Corresponding Author: mehdi_zahedii@yahoo.com

آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان

مهدی زاهدی*

دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

شیرین شریفزاده

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

آزادی بیان شامل آزادی در بیان، اندیشه، تحصیل و اشاعه آزادانه اطلاعات می‌باشد در مقابل کپی‌رایت با شناسایی حقوق انحصاری برای پدیدآورندگان، موجب محدودیت در دسترسی و اشاعه آثار مورد حمایت می‌شود. وقتی بیان مطرح شده دارای حق کپی‌رایت باشد آزادی سخنانی و مطبوعات می‌تواند محدود شود. برخی معتقدند این دو نه تنها با یکدیگر تقابل ندارند بلکه ارزش‌های اجتماعی موجود در بطن نظام کپی‌رایت همان‌هایی است که مبانی آزادی بیان را تشکیل می‌دهند. اهداف مشترک مانند گسترش جریان فرهنگی و ارتقای فرآیند خلاقانه در جامعه موجب کنش متقابل و هم‌افزایی این دو می‌گردد. اصل دوگانگی ایده و بیان با تعیین گستره مورد حمایت کپی‌رایت و تمیز آن‌چه که به حیطه عمومی تعلق دارد و حمایت نمی‌شود با آن‌چه که مورد حمایت است تعامل سازنده آزادی بیان و کپی‌رایت را تضمین و از منافع عمومی جامعه و عدم محدودیت آزادی بیان حمایت می‌کند. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان میان منافع عمومی جامعه در برخورداری از حق آزادی بیان با منافع خصوصی صاحبان آثار در برخورداری از حق انحصاری بهره‌برداری، تعادل ایجاد کرد؟ اصل دوگانگی ایده و بیان به مثابه پارسنگ ترازو در ایجاد موازنه میان این دو حق دستاورد تحقیق است.

واژگان کلیدی: آزادی بیان، دوگانگی ایده بیان، حق دسترسی به اطلاعات، کپی‌رایت،

منافع عمومی.

مقدمه

جهان امروز، اصل آزادی بیان را یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر در هر جامعه بشمار می‌آورد. دیوان اروپایی حقوق بشر بارها آزادی بیان را بعنوان یکی از مبانی جامعه دموکراتیک توصیف کرده است. متفکرین نیز آن را لازمه دموکراسی و پیش‌نیاز گردش جریان دموکراتیک در جامعه می‌دانند. این اصل حق هر فرد برای تبادل اطلاعات، مباحثه ایده‌ها و بیان نظرات را تضمین و موجب توسعه میراث فرهنگی در هر جامعه می‌گردد. برخی از این نیز فراتر رفته‌اند و بر اساس نگرش غایت‌محور انسانی، آزادی بیان را از حقوق طبیعی انسان و از مقتضیات استقلال فردی وی می‌دانند. از نظر ایشان این اصل خود به تنهایی غایت بالذات است و ایجاد هرگونه محدودیت بر آن، مغایر صیانت از کرامت انسانی و حقوق بشر محسوب می‌شود و تقید و تحدید آن فقط در چارچوب استثنای ضروری قابل پذیرش خواهد بود. در گذر تاریخ، آزادی بیان همواره از مطالبات اساسی و از آرمان‌های بشری بوده و امروزه در قوانین ملی اکثر کشورهای جهان و اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. با این حال حق آزادی بیان به جهت تداخل با سایر حقوق فردی مانند حریم خصوصی و کپی‌رایت و حقوق جمعی مانند امنیت و منافع ملی دچار تحدید و گستره آن از اطلاق خارج شده است. تمامی نظام‌های حقوقی پذیرفته‌اند که اعمال نامحدود حقوق اگرچه بنیادین باشند خود به نقض حقوق دیگر منجر خواهند شد. هرچند در آغاز به نظر می‌رسد حقوق ناشی از کپی‌رایت، به دلیل ارائه انحصار به خالق اثر ادبی و هنری و منع دیگران در استفاده از آن آثار، باعث محدودیت بر اصل آزادی بیان و حقوق وابسته به آن مانند حق دسترسی آزادانه به اطلاعات می‌گردد لیکن به‌زعم نویسندگان مقاله و با شناسایی مبانی و قلمرو هر یک از این دو حق و معرفی سازوکار اصل دوگانگی ایده و بیان در داخل نظام کپی‌رایت، می‌توان به تعامل همسو و هم‌افزایی این دو حقوق بشری پی‌برد.

آزادی بیان و کپی‌رایت هر دو از احترام به کرامت انسانی و آزادی در تبادل عقاید و اندیشه‌ها نشأت گرفته‌اند. کپی‌رایت از کرامت، ارزش و حرمت آفرینش‌های خلاقانه فکری حمایت می‌کند و بدنبال آن است که جریان خلاقانه اندیشه در جامعه ارتقا یابد، آزادی بیان نیز با رواج و گسترش آزادانه بیان به تقویت آن می‌پردازد. هر دو به مثابه یک حق بشری از انسان خردمند و اندیشه‌ورز حمایت می‌کنند. با این حال در موارد استثنایی

که بین این دو حق بشری تعارض غیرقابل حلی بوجود آید، نظام کپی‌رایت با ایجاد قواعد و ابزارهای درونی تلاش نموده این تعارض به تعامل هم سو تغییر یابد. استفاده منصفانه، محدودیت مدت حمایت، استثنائات حقوق پدیدآورنده و از همه مهمتر اصل دوگانگی ایده و بیان از جمله سازوکارهای درون نظام کپی‌رایت به منظور حفظ حقوق مؤلف و در عین حال ارتقای منافع عمومی جامعه است تا تنش میان این دو حق فردی و عمومی کاهش یابد. حمایت کپی‌رایت تنها می‌تواند تا حدی گسترش یابد که به خالق، توانایی کافی برای بهره‌برداری از اثرش را اعطا و مانع استفاده ناروای دیگران از آن گردد و در همان حال با تفکیک ایده از بیان مانعی برای آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات نمی‌گردد. اصل دوگانگی ایده و بیان ابزاری کارآمد برای حل این تعارض ظاهری در نقطه تلاقی این دو حق می‌باشد. این اصل با تفکیک ایده از بیان، قلمرو و گستره حقوق پدیدآورنده را از آنچه که مورد حمایت قانون کپی‌رایت است با آنچه که متعلق به عموم است و مورد حمایت کپی‌رایت نمی‌باشد مشخص و متمایز می‌سازد. حق دسترسی به آثار و بهره‌مندی از آن‌ها برای خلق‌های آتی به موازات ایجاد حس امنیت و انگیزه مادی برای پدیدآورندگان، دو کفه ترازویی است که توسط اصل دوگانگی ایده و بیان برای ایجاد تعادل میان حق آزادی بیان و حقوق پدیدآورندگان آثار بکار گرفته می‌شود. این اصل از ایده‌های تجسم یافته در اثر حمایت نمی‌کند و تنها از شکل و فرم بیان آن ایده‌ها حمایت می‌کند. تمامی افراد جامعه از جمله سایر پدیدآورندگان، حق دارند از ایده‌ها و اطلاعات موجود در یک اثر مورد حمایت کپی‌رایت استفاده و آن‌ها را در اثر خود تکرار کنند و تنها از کپی کردن فرم بیان استفاده شده در اثر مورد حمایت شده ممنوع هستند. در موارد متعددی مانند پرونده /شتون^۱ و هارپر^۲ که خواننده تلاش نمود با توسل به اصل آزادی بیان و کنوانسیون‌های حقوق بشری مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مقابل ادعای نقض حقوق کپی‌رایت از خود دفاع نماید، دادگاه با استناد به اصل دوگانگی ایده و بیان، دفاع خواننده را نپذیرفت و اعلام نمود کپی‌رایت مانع انتشار اطلاعات نهفته در اثر ادبی نیست و قانون‌گذار با پذیرفتن اصل دوگانگی ایده و بیان به

1. Ashdown MP PC v. Telegraph Group Ltd [2001] EWCA Civ 1142.

2. Harper & Row, Publishers Inc. V. Nation Enterprise (1985) 471 U.S.539.

اصل آزادی بیان توجه داشته است و لذا می‌توان از حقوق مؤلف به بهترین نحو و به گونه‌ای حمایت کرد که موجب ارتقای منافع عمومی و احترام به اصل آزادی بیان گردد. هدف این مقاله آن است که اثبات نماید مقررات کپی‌رایت موجب محدودیت آزادی بیان نمی‌گردد و نقض کپی‌رایت با استناد به اصل آزادی بیان پذیرفتنی نیست. در ادبیات حقوقی ایران منابع بسیار محدودی راجع به اصل دوگانگی ایده و بیان وجود دارد لیکن پژوهش مستقلی در خصوص مناسبات این اصل و آزادی بیان انجام نشده است. مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا اصل دوگانگی ایده و بیان می‌تواند ضمن حفظ حقوق صاحبان آثار از منافع عمومی جامعه و اصل آزادی بیان حمایت نماید؟ برای پاسخ به این پرسش، مبانی و اهداف اصل آزادی بیان و کپی‌رایت، دلایل طرفداران تعامل و طرفداران تقابل این دو حق بشری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با معرفی دقیق اصل دوگانگی ایده و بیان بعنوان تراز حق آزادی بیان و کپی‌رایت به شناسایی آنچه ایده محسوب می‌شود و مورد حمایت کپی‌رایت نمی‌باشد و آنچه که بیان تلقی می‌شود و مورد حمایت کپی‌رایت می‌باشد پرداخته شده است. همچنین دکتراهای امتزاج و صحنه‌های مشابه و چالش‌های پیش روی تفکیک ایده و بیان در شرایط نقض اثر از دیگر موضوعاتی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۱. آزادی بیان و کپی‌رایت: رفق یا خرق

در هنگام برگزاری مسابقات جهانی کریکت در استرالیا در جریان یکی از مسابقات، شون اسپینر^۱ ناسزایی با مضمون نژادپرستانه به بابی بلستر^۲ بازیکن تیم مقابل می‌گوید. پس از بازی و در هنگام مواجهه این دو در داخل استادیوم، بلستر به صورت اسپینر مشت می‌زند. این صحنه نزاع با دوربین تلویزیون اسپرت تی‌وی^۳ - دارای دسترسی انحصاری به فضای استادیوم و قسمت اختصاصی بازیکنان - ضبط می‌شود. اسپرت تی‌وی نیز این فیلم را در آرشیو خود نگه می‌دارد تا بعداً برای پخش عمومی آن تصمیم‌گیری کند ولی یکی از کارکنان اسپرت تی‌وی، این فیلم را در اختیار روزنامه "اسکوپ تایمز"^۴ و یک شرکت

1. Sean Spinner.
2. Bobby Blaster.
3. Sport Tv.
4. Scoop Times.

فیلمسازی به نام "اکسپلور"^۱ قرار می‌دهد. روز بعد، اسکوپ تایمز در صفحه اول خود مقاله‌ای در خصوص اتفاقات روز گذشته استادیوم همراه با تصویری از بلاستر در حال مشت زدن به صورت اسپینر چاپ می‌کند، این تصویر از فیلم متعلق به اسپرت تی‌وی برداشته شده است. اکسپلور نیز مستندی با هدف معرفی روشی برای جلوگیری از نژادپرستی در ورزش که کمیته‌های ورزشی بین‌المللی می‌توانند اتخاذ کنند، تهیه می‌کند.^۲ یک کلیپ ۵ دقیقه‌ای از فیلم نشان دهنده مجادله بین اسپینر و بلاستر است. در همین زمان یک دانش‌آموز ۱۵ ساله به نام دیوید فنر^۳ که در حال تماشای این مستند از تلویزیون است صحنه نزاع بلستر و اسپینر را ضبط می‌کند و آن را در مای‌توب^۴، یک اپلیکیشن اینترنتی محبوب برای اشتراک ویدیوها، آپلود می‌کند.^۵

پروفسور ایزابل لاروچ^۶ دانشمند دیرینه‌شناس در طول تحقیقات خود، یک فسیل از گونه‌ای پستاندار قبلاً ناشناخته که در طول آخرین عصر یخی منقرض شده بود را کشف کرد. او با دقت طرحی از آنچه حیوان واقعی شبیه آن بود، باز تولید کرد و کشف و طرح خود را در یک کنفرانس دیرینه‌شناسی که مشارکت در آن محدود به دعوت شدگان اختصاصی بود ارائه نمود. ساینس ویکلی^۷ مجله اختصاصی علوم طبیعی، مقاله‌ای در مورد یافته‌های ایزابل لاروچ همراه با یک دیاگرام از این پستاندار که از برگه تحقیقاتی توزیع شده در میان شرکت‌کنندگان کنفرانس گرفته شده بود بدون اجازه از پروفسور لاروچ منتشر کرد.^۸

این دو مثال که برگرفته از واقعیت است، می‌تواند تقابل حق کپی‌رایت با آزادی بیان و منافع عمومی جامعه در دسترسی آزادانه به اطلاعات را به خوبی ترسیم کند و باعث طرح سوالات بسیاری در شیوه اولویت و ارجحیت این حقوق بر یکدیگر گردد. آیا حق

1. Explore Inc.
2. Racism in the Field: The Ugly Side of Sport.
3. David Fans.
4. Mytube.com.
5. Sunimal, Mendis, *Copyright, the Freedom of Expression and the Right to Information: Exploring a Potential Public Interest Exception to Copyright in Europe* (Munich Intellectual Property Law Center - Nomos Publishers (2011) at 16-17.
6. Isabella Laroche.
7. Science Weekly.
8. Ibid.

کپی‌رایت یک شبکه تلویزیونی بر فیلم مستند خود می‌تواند باعث تحدید آزادی مطبوعات در شرح اخبار وقایع روزمره باشد؟ آیا روزنامه خبری می‌تواند از تصویر برگرفته از یک فیلم برای تکمیل خبر خود استفاده کند؟ آیا شرکت فیلمسازی که قصد نقد رفتارهای نژادپرستانه در ورزش را دارد، مجاز در استفاده از تصاویر دارای حق کپی‌رایت برای اثبات ادعای خود می‌باشد و آیا این عمل مصداقی از استفاده منصفانه تلقی می‌شود؟ آیا منع ضبط تصاویر برگرفته از فیلم و اشتراک آن در فضاهای مجازی، موجب سلب آزادی بیان نمی‌گردد؟ اگرچه کشفیات علمی به دلیل ارتباط مستقیم با منافع عمومی جامعه از حمایت کپی‌رایت مستثنی شده است ولی آیا عدم حمایت از طراحی شخصی در یک دستاورد علمی، باعث نقض حقوق صاحب اثر می‌شود؟ پاسخ به این سؤالات وابسته بر چگونگی ترسیم نسبت حقوقی حق کپی‌رایت با اصل آزادی بیان می‌باشد، تعامل یا تقابل، رفق یا خرق؟

آزادی بیان بعنوان یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشری^۱ تضمین می‌کند که همه افراد جامعه از حقوقی مانند بیان ایده‌ها و نظرات، دسترسی به منابع و اطلاعات، بهره‌وری از هنر و منافع آن، هم‌چنین مشارکت در زندگی فرهنگی و توسعه علمی جامعه برخوردارند. از طرف دیگر کپی‌رایت، حق استفاده انحصاری از آثار را به صاحبان این آثار اعطاء می‌کند به طریقی که آنان می‌توانند دیگران را از گفتن آنچه آنان گفته‌اند و به طریقی که آنان گفته‌اند منع کنند. در نظر اول، تعارض و تداخلی مشهود میان کپی‌رایت و آزادی بیان به چشم می‌آید به صورتی که به نظر می‌رسد مقررات کپی‌رایت، آزادی بیان را در خطری جدی قرار می‌دهد.

دیدگاه مخالف اما بر این باور است که اصل آزادی بیان با مقررات کپی‌رایت در تعارض نمی‌باشد. از نظر ایشان هدف آزادی بیان، دسترسی آزادانه و استفاده بدون محدودیت همه افراد جامعه از آثار خلاقانه است تا از این طریق، خلاقیت و استعداد هنری نهفته در آثار برای ادامه فرآیند تکوین خلاقیت و مشارکت همگانی در توسعه و

۱. اصل آزادی بیان را نمی‌توان یک حق بنیادین بشری بشمار آورد زیرا حقوق بنیادین بشری را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان متوقف یا مورد تعلیق قرار داد در حالی که با استناد به برخی از مقررات ملی و بین‌المللی از جمله بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۳ مواد ۱۸ و ۱۹ و بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، می‌توان اصل آزادی بیان را در موارد خاصی محدود و یا متوقف نمود.

تولید این آثار ادامه یابد. کپی‌رایت نیز با ایجاد انگیزه خلق از طریق اعطای حقوق انحصاری به صاحبان آثار، همسو با هدف آزادی بیان که همانا ارتقای فرآیند خلاقانه در جامعه است گام برمی‌دارد لذا تعادل و همزیستی کامل میان این دو حق متصور است.^۱ بر اساس چنین دیدگاهی، حیطة حقوق خصوصی مربوط به صاحبان آثار بایستی در تعادل با منافع عمومی توصیف شود. عبارتی حقوق انحصاری صاحب کپی‌رایت هر جا در مغایرت با منافع عمومی قرار می‌گیرد بایستی محدود گردد. در شناخت این همزیستی یا تقابل ابتدا به تعریف آزادی بیان و کپی‌رایت خواهیم پرداخت و سپس زمینه‌های تشابه و تباین این دو حق را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات

اسپینوزا معتقد است قدرت حکومت نمی‌تواند به تمامی جنبه‌های زندگی شهروندان نفوذ کند. کلید محدود کردن قدرت سیاسی این واقعیت است که حکومت‌ها قادر به دست‌یابی به فکر افراد نیستند و این در واقع محدودیت اصلی در قدرت سیاسی تلقی می‌شود.^۲

«آزادی بیان از حقوق اساسی افراد در جامعه بشری محسوب می‌شود و در چارچوب حقوق بشر از جایگاه ویژه سیاسی و اخلاقی برخوردار است. آزادی بیان ابزاری جهت رساندن اندیشه و عقیده به دیگران است. حق برخورداری از آزادی بیان ریشه و مبنای بسیاری دیگر از آزادی‌ها همانند آزادی مطبوعات، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، حق انتقال و انتشار اندیشه‌ها، حق انتقاد، حق استقلال و رهایی از سانسور است.»^۳

آزادی بیان بعنوان یک حق مبنایی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر تصریح شده است. در بُعد بین‌المللی، حق آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۵ مورد شناسایی قرار گرفته است. در

1 Ibid. at 20-22.

2. Edward I, Pitts, "Spinoza on Freedom of Expression", Journal of the History of Ideas, Vol. 47, No. 1, (1986), at 24.

۳. مهدی زاهدی، شیرین شریف‌زاده، «حق دسترسی به اطلاعات: کپی‌رایت یا کپی‌لفت»، از حق مداری تا حکومت قانون، مجموعه مقالات اهدایی به استاد محمد محمدی گرگانی (تهران: انتشارات گنج دانش ۱۳۹۶) ص ۱۰۲.

4. Universal Declaration of Human Rights (UDHR).

5. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR).

هر دو سند، حق آزادی بیان بعنوان حق افراد برای داشتن و ابراز نظر بدون دخالت دیگران و همچنین حق جستجو، بدست آوردن و بهره‌وری از اطلاعات و ایده‌ها تعریف شده است. میثاق همچنین در بند ۳ همان ماده مقرر نموده حق آزادی بیان می‌تواند موضوع محدودیت‌های قانونی قرار گیرد، محدودیت‌هایی که برای احترام به حقوق و شهرت دیگران یا برای تأمین امنیت ملی، نظم عمومی و سلامت جامعه ضرورت دارد.

مهم‌ترین سند درباره آزادی بیان، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ است، مطابق ماده ۱۰ این کنوانسیون، تمامی افراد بشر برای بیان ایده‌ها و نظرات خود بدون هیچگونه سانسور یا دخالت از طرف دولت آزادند. موضوع آزادی بیان به طور خاص بیان‌هایی که باعث آزار و تبعیض یا باعث تحریک خشونت و دشمنی در مقابل دیگر افراد و گروه‌ها به وسیله اشاره به نژاد آن‌ها، باور مذهبی، جنسیت یا گرایش جنسی آنها می‌شود را در بر نمی‌گیرد.

دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ بارها آزادی بیان را بعنوان یکی از مبانی جامعه دموکراتیک توصیف کرده زیرا این اصل، حق هر فرد برای تبادل اطلاعات، مباحثه ایده‌ها و بیان نظرات را تضمین می‌نماید و توسعه هنری، علمی و تجاری در جامعه را پایه‌ریزی می‌کند.^۳

برخورداری افراد از حق آزادی بیان در قوانین ملی اکثر کشورهای جهان نیز به رسمیت شناخته شده است. شاید قوی‌ترین حمایت از آزادی بیان در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا آمده است. در قانون اساسی آمریکا، ارزش آزادی بیان بر دیگر ارزش‌های دموکراتیک مثل برابری، احترام به شأن انسانی و حریم خصوصی ارجحیت دارد به نحوی که دیگر حقوق و ارزش‌های دموکراتیک نبایستی آزادی بیان را محدود کند. حمایت قانونی ارائه شده به آزادی بیان در ایالات متحده آمریکا نسبت به کشورهای دیگر جهان کم‌نظیر و یا حتی بی‌نظیر است. دیدگاه آمریکایی نسبت به آزادی بیان همیشه سازگار با هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی و همچنین حمایت از آزادی بیان در دیگر کشورهای دموکراتیک جهان نبوده است. اگرچه هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی و قوانین اساسی

1. European Convention on Human Rights (ECHR).

2. European Court of Human Rights (EctHR).

3. Unknown, "Freedom of Expression", Equality and Human Rights Commission www.Equalityhumanrights.com, Published February, (2015), at 7.

دیگر کشورهای دموکراتیک جهان، آزادی بیان را بعنوان یک حق مهم مورد شناسایی قرار می‌دهند لیکن آنان بر این باورند که این حق بایستی در مقابل دیگر حقوق دموکراتیک متعادل شود. بعبارت دیگر این کشورها محدودیت‌های معینی را بر آزادی بیان به رسمیت می‌شناسند.^۱

اصل بیست و سوم قانون اساسی ایران و مواد ۲۶ الی ۲۹ منشور حقوق شهروندی ایران، صراحتاً به حمایت از آزادی بیان اشاره دارد. به موجب ماده ۲۶ منشور حقوق شهروندی: «هر شهروند از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوع مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو و تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قانون تضمین کند». ماده ۲۷ این منشور مقرر می‌دارد: «شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش‌های فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند».

۲-۱. کپی‌رایت و توسعه میراث فرهنگی

کپی‌رایت مجموعه‌ای از حقوق انحصاری است که به آفرینندگان آن دسته از آثار فکری که در درجه اول به روابط اجتماعی مرتبط است تعلق می‌گیرد. این آثار تمامی اشکال ارتباطات عمومی از جمله آثار مکتوب، صوتی، تصویری و پخش‌های تلویزیونی را در برمی‌گیرد. حمایت کپی‌رایت یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه، تقویت و انتشار میراث ملی فرهنگی است و از عناصر ضروری فرآیند توسعه در جامعه محسوب می‌شود. تجربه ثابت کرده که تقویت میراث ملی فرهنگی مستقیماً به میزان و سطح حمایت از آثار ادبی و هنری وابسته است.^۲

هدف اصلی از حقوق کپی‌رایت؛ ارتقای ارزش‌های فرهنگی و علمی جامعه از طریق اعطای حقوق انحصاری به خالق است. اعطای این حقوق با هدف ایجاد انگیزه برای

1. Robert Allen, Sedler, "An Essay on Freedom of Speech: The United States Versus the Rest of the World", Michigan State Law Review, Vol. 2, (2006), at 379.
2. *Wipo Intellectual Property Handbook*, Second Edition, (2004), at 6.

خلق، حق انحصاری بهره‌برداری اقتصادی از اثر را برای مدت زمانی محدود به خالق اثر و بازماندگان او می‌دهد.^۱ کپی‌رایت از لحظه خلق اثر بوجود می‌آید و به خالق اثر تعلق می‌گیرد و از او در برابر استفاده‌های غیرمجاز از اثر مثل کپی کردن، اقتباس، اجرای عمومی، ترجمه و غیره حمایت می‌کند.^۲

از آنجایی که مصادیق حقوق کپی‌رایت آثار ادبی و موسیقایی را شامل می‌شود و ساختاری برای تولید، اشاعه، مصرف و محافظت از دانش و اطلاعات بوجود می‌آورد می‌توان آنرا بخشی از سیستم بزرگتر تولیدات فرهنگی و علمی قلمداد نمود. آنچه موضوع حقوق مالکیت فکری است اعم از اختراع و اثر کپی‌رایتی، صرفاً یک اثر تکنیکی یا متافیزیکی نیست بلکه موضوعاتی است که نقش اساسی در حقوق و فرهنگ جامعه بازی می‌کند.^۳ از این‌رو، رویکرد به موضوعات کپی‌رایتی با سایر اموال متفاوت است. به دلیل ماهیت فرهنگی این اموال و حق عمومی جامعه در دسترسی به منابع فرهنگی جهت پیشبرد دانش و فرهنگ، مالکیت این اموال با محدودیت‌ها و استثنائات فراوان مثل مدت حمایت محدود، استفاده منصفانه و البته دوگانگی ایده و بیان همراه است. به دلیل ماهیت ویژه این اموال و همبستگی شدید با منافع عمومی جامعه، بررسی ریشه‌های پیوستگی و افتراق کپی‌رایت و مباحث مربوط به حقوق عمومی ضرورت دارد.

۳-۱. تعامل کپی‌رایت و آزادی بیان

اعلامیه جهانی حقوق بشر اولین سند بین‌المللی است که همزیستی کپی‌رایت و آزادی بیان را مورد اشاره قرار می‌دهد. به موجب ماده ۲۷ این اعلامیه:
* هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی - اجتماعی مشارکت کند، از فنون و هنرها بهره‌برداری کند و در پیشرفت علمی و منافع آن سهیم گردد.
* هرکس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

1. Robert A, Gorman, *Copyright Law* (USA: Federal Judicial Center Publication 2006) at 8.

2. Ibid. at 9.

3. Michael J, Madison, "IP Things as Boundary Objects: The Case of the Copyright Work", *Laws*, Vol. 6, (2017), at 8.

بخش اول این ماده از آثار کپی‌رایت شده بعنوان بخشی از زندگی فرهنگی - اجتماعی و با هدف ارتقای هنری حمایت می‌کند. در حالی که دومین پاراگراف نیز همین موضوع را به طریق دیگری بیان می‌کند. نتیجه بدست آمده از ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، شناسایی حق کپی‌رایت بعنوان یک حق بشری است.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ دومین سند مهم و مرتبط در این رابطه است، ماده (۱) ۱۵ این منشور که بسیار شبیه به اعلامیه جهانی حقوق بشر است، بر حالت‌های حقوق بشری کپی‌رایت تأکید نموده است. سه بخش مقرر شده در این ماده وابسته به یکدیگر هستند، به این معنا که منافع مادی و معنوی یک خالق بایستی به عنوان «پیش‌شرط‌های اساسی برای آزادی اجتماعی» و مشارکت و دسترسی به منافع پیشرفت علمی مورد توجه باشند.

در بحث تعامل کپی‌رایت و آزادی بیان آنچه بیش از همه مورد سوال می‌باشد این است که آیا کپی‌رایت می‌تواند بعنوان یک حق بشری در نظر گرفته شود؟ در پاسخ به این سوال ابتدا بایستی به این نکته توجه کرد که رژیم حقوقی کشورهای جهان در بحث کپی‌رایت در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تفاوت اساسی با امروز داشته است. در آن زمان حقوق مالکیت فکری، قدرت و نفوذ امروز را حتی در کشورهای غربی نداشت. بنابراین رویکردها به نفع حقوق بشر متمایل بود. در بُعد اروپایی برای بیش از یک دهه "دیوان اروپایی حقوق بشر" آرای مهمی صادر کرد که نتیجه آنها این بود که اختراعات، علائم تجاری و کپی‌رایت تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و به طور خاص تحت پوشش حقوق اموال حمایت می‌شوند. به طور خاص ماده ۱ پروتکل ۱۱ دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر شخص حقیقی و حقوقی حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از اموال خود را دارد و هیچکس نمی‌تواند از این حق محروم شود مگر در جهت منافع عمومی و شرایط مقرر شده توسط قانون و اصول کلی حقوق بین‌الملل»^۲.

وجه دیگر از تعامل کپی‌رایت و آزادی بیان در هدف نهایی این دو نهاد است. هدف غائی کپی‌رایت، بوجود آوردن انگیزه برای خلق آثار از طریق ارائه حقوق انحصاری به

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESR) 1967.
2. Legor, Bakhariev, Special Approach for Musical Works in Relation to the Idea-Expression Dichotomy in Copyright Law, Master Thesis, Faculty of Law Lund University, (2016), at 69.

خالق است و از این رو همراستا با اهداف آزادی بیان عمل می‌کند، تا جایی که برخی در تعریف کپی‌رایت آن را بعنوان «موتور آزادی بیان» توصیف کرده‌اند، زیرا کپی‌رایت، انگیزه برای خلق بیان جدید ایجاد می‌کند و اصل آزادی بیان از آن بیان حمایت می‌کند. کپی‌رایت از طریق پرداخت حق الزحمه به خالقان، آنان را برای تولید آثار توانا می‌سازد و به آنها درجه‌ای از خودمختاری مالی و هنری اعطاء می‌کند؛ همچنین خلاقیت را از طریق گوناگونی آثار ارتقا می‌بخشد و از این طریق باعث تنوع مباحث می‌گردد که این از خصوصیات جامعه دموکراتیک است.^۱ بعبارت دیگر «نظام کپی‌رایت، انگیزه‌ای برای ترویج و توزیع دانش و آثار فرهنگی فراهم می‌آورد. وجود چنین انگیزه‌ای موجب فزونی محصولات فکری و کثرت آنها به میزانی می‌شود که با سلیقه‌ها و نیازهای مخاطبان هماهنگ باشد. از سوی دیگر چون مخاطبان به دنبال آثار دارای کیفیت و ارزش بالای ادبی و هنری هستند آثاری با اقبال آنان روبرو می‌شود که نوآور باشند و بر دانش و هنر موجود بیفزایند، به این ترتیب کپی‌رایت به رونق اندیشه‌های تازه و خلاق و قابل دسترس بودن تنوعی از آثار حامل فکر و نظر کمک می‌کند. در چنین فضای سرشار از اطلاعات، حق آزادی بیان معنا و عمق خاصی پیدا می‌کند، طیف گسترده‌ای از بیان در موضوعات بسیار گوناگون در اختیار عموم قرار می‌گیرد، دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد آن، مجال وسیع‌تری می‌یابد و محققان و اندیشمندان با وقوف و اطلاع از آرا و نظریات دیگران به کشف و درنوردیدن قلمروهای نو در میان خویش خواهند پرداخت».^۲

«حقوق اقتصادی که کپی‌رایت به پدیدآورندگان و ناشران آثار ادبی هنری اعطا می‌کند منبع تأمین مالی در اختیار آنان می‌نهد. تأمین مالی موجب می‌گردد این بخش از جامعه برای گذران زندگی و ادامه فعالیت به عوائد حاصل از آثار خود متکی باشد. این امر تا حد زیادی باعث استقلال این قشر از جامعه می‌گردد. این استقلال مالی دو پیامد مهم برای آزادی بیان دارد. اولین پیامد این است که تولید کنندگان آثار ادبی و هنری واهمه‌ای از تولید بیان انتقادگر از حکومت نداشته باشند. به این ترتیب، بیان انتقادی از اعمال دولت و برملا کننده فساد در نهادهای حکومتی و نارسایی‌ها در اداره ارکان

1. Yin Harn, Lee, *Copyright and Freedom of Expression: A Literature Review* (England: CRTATe Working Paper 2015) at 64.

۲. محمد حبیبی مجنده، «هم‌افزایی کپی‌رایت و آزادی بیان»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۹۷، (۱۳۹۱)، ص ۶۳.

عمومی گسترش می‌یابد. پیامد دوم استقلال مالی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری از حمایت و پشتیبانی دولت، گسترش و رواج اندیشه‌ها در خصوص مسائل اجتماعی و فرهنگی است.^۱

۴-۱. تقابل کپی‌رایت و آزادی بیان

آنچه در بادی امر از ارتباط کپی‌رایت و آزادی بیان به ذهن متبادر می‌گردد آن است که کپی‌رایت با اعطای حقوق انحصاری به پدیدآورندگان آثار، دیگران را از بیان نظریات و دیدگاه‌های خود باز می‌دارد زیرا موضوعات و روش‌های بیان آن در انحصار صاحب کپی‌رایت قرار گرفته است. همان‌گونه که پیش از این و در مثال‌های آغاز این مقاله دیدیم، دیگرانی که می‌خواهند همان نظرات پیشین را بیان دارند یا با استناد به اثر قبلی در مقام نقد و تحلیل این نظرات برآیند همواره با بیم نقض کپی‌رایت دیگری مواجهند.

انحصار ارائه شده به خالقان آثار توسط کپی‌رایت، دسترسی به آثار را محدود می‌کند. حتی اگر حقوق کپی‌رایت باعث ارتقای تولید آثار گردد، در همان حال به روشنی مانع توزیع این آثار می‌گردد. این انحصار به صاحبان کپی‌رایت حقی اعطاء می‌کند که آنها با استفاده از این استحقاق مالکانه به سرکوب آثاری می‌پردازند که متضمن نقدهای شخصی، اجتماعی و سیاسی از اثرشان می‌باشند (منظور نقدهایی است که با استفاده از آثار پیشین و با بهره‌گیری از عناصر اثر صورت می‌گیرد). در چنین شرایطی نه تنها دسترسی مخاطبان به آثار گران خواهد شد بلکه یک کپی‌رایت گسترده، فضایی را به وجود می‌آورد که در آن خالقان بعدی برای هر نقل قول و اقتباس از اثر موجود، مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین می‌گردند. وجود این فضا متعاقباً به منع تولید و انتشار برخی استفاده‌های خلاقانه منجر خواهد شد.^۲

شاید بتوان مبنای این تقابل را اختلاف موجود بین تئوری‌های حقوق مالکیت فکری در کشورهای حقوق نوشته و کشورهای حقوق عرفی دانست. کشورهای حقوق نوشته، حقوق مالکیت فکری را بعنوان یکی از حقوق طبیعی در نظر می‌گیرند و به صاحبان کپی‌رایت، حقوق معنوی گسترده‌ای اعطاء می‌کنند. جان لاک^۳ حق مالکیت را بعنوان

۱. همان، ص ۶۴.

۲. Lee, op.cit. at 65-66.

۳. John Locke 1632-1704.

یک حق طبیعی معرفی کرد و معتقد است این حق قبل از تشکیل جامعه مدنی و دولت وجود داشته است و دولت باید در صیانت و حفاظت از آن بکوشد. بر اثر تعلیمات لاک، نظام امتیاز در حقوق مالکیت فکری به نظام حق تبدیل شد و پدیدآورنده صاحب حق محسوب می‌شود و اوست که این حق را به ناشر می‌دهد. اثر فکری جزئی از پدیدآورنده و امتداد شخصیت او در عالم خارج است لذا حقوق اقتصادی (مادی) فرع بر حقوق اخلاقی (معنوی) آن قلمداد می‌شود.^۱ در کشورهای سیستم حقوق عرفی، حقوق مالکیت فکری تنها به منظور خدمت نهایی به منافع عمومی و حق طبیعی آزادی بیان مورد حمایت قرار می‌گیرد. کپی‌رایت در کشورهای حقوق عرفی وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه برای خالقان به منظور خلق بیشتر و در نهایت ارتقای سطح دانش و انتشار اطلاعات است. عبارت دیگر در این کشورها آزادی بیان و انتشار اطلاعات بعنوان "حقوق طبیعی" مهم‌تر و مبنایی‌تر از حقوقی مثل حقوق مالکیت اموال فکری - که قانون آن را تجویز نموده است - در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین در حالی که در کشورهای حقوق نوشته، کار فکری بعنوان جنبه‌ای از حق طبیعی مالکیت تلقی می‌شود، در آمریکا و کشورهای سیستم حقوق عرفی، توانایی مالکیت و فروش اموال فکری در حکم یک پاداش موقت برای خالق است تا او را تشویق به سرمایه‌گذاری بیشتر در خلق بیشتر و نهایتاً انتشار ایده‌ها و اطلاعات نماید.^۲

کپی‌رایت بعنوان قدرتمندترین و تأثیرگذارترین سازوکار حفظ منافع خلاقانه از طریق استقرار یک سیستم حقوقی مطلق و انحصاری برای صاحب اثر عمل می‌کند. اطلاق این حقوق به معنای آن است که این حق تنها متعلق به خالق اثر است و انحصاری بودن آن دلالت بر وجود یک کنترل مشروع در برابر همه افراد است. بنابراین صاحب کپی‌رایت حاکم مستبد بر روی هر و همه استفاده‌های ممکن از اثرش است.^۳

۱. محمود حکمت‌نیا، محمد موحدی ساوجی، «جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری»، مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۹۴، (۱۳۸۵)، ص ۹۶-۹۷.

2. Amanda Beshears, Cook, "Copyright and Freedom of Expression: Saving Free Speech from Advancing Legislation", Chicago-Kent Journal of Intellectual Property, Vol. 12, No. 1, (2013), at 3 & 23.

3. Evanthia, Maria Moustaka, Reinventing Copyright the Scope, the depth and the Edges of Copyright Protection Through the Idea/Expression Dichotomy, A Thesis Submitted for the Degree of Master of Arts (MA) in Art, Law and Economy, International Hellenic University, (2018), at 6.

تقابل ظاهری کپی‌رایت و آزادی بیان را می‌توان به سادگی توصیف کرد؛ کپی‌رایت به صاحب کپی‌رایت حق انحصاری برای کنترل و جلوگیری از انتشار آثارش را اعطاء می‌کند. در مقابل، دیگری که قصد استفاده از بیان حمایت شده صاحب کپی‌رایت را دارد باید با اجازه او این کار را انجام دهد و گرنه مرتکب سرقت ادبی می‌گردد. این امر حق اشخاص را در بیان آزادانه نظراتشان و دسترسی و استفاده آسان به آثار محدود می‌کند.

توسعه دراماتیک حقوق کپی‌رایت مثل افزایش مدت حمایت از خالق و گسترش و تقویت این حقوق که در تعادل با توسعه‌ای مشابه در آزادی‌های فردی نبوده است باعث افزایش تنش میان کپی‌رایت و آزادی بیان گردیده است. عده‌ای از مفسران بر این عقیده‌اند که حمایت کپی‌رایت از مهارت و اثر خالق، تنها باید تا حدی گسترش یابد که به خالق، کنترل کافی برای بهره‌برداری از اثرش و انگیزه برای خلق بیشتر اعطاء کند، همچنین مانع ایجاد استفاده ناروا از اثر ادبی و هنری خالق گردد. با این حال این حمایت نباید تا اندازه‌ای گسترش یابد که موجب هزینه‌های غیرضروری برای مصرف‌کننده آثار و مانعی برای آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات گردد.^۱

عامل مهم دیگر که باعث افزایش تنش میان حقوق کپی‌رایت و آزادی بیان می‌گردد، ظهور فضای دیجیتال و تسهیل دسترسی به آثار و هم‌زمان امکان بیان اطلاعات و بازتولید آثار در این فضا است. بسیاری از فعالیت‌های روزانه زندگی مانند فراگیری اطلاعات، ارتباط با دیگر انسان‌ها، شرکت در سخنرانی‌های عمومی و سرگرمی‌ها، امروز از دنیای آنالوگ به دنیای دیجیتال وارد شده و احتمال تأثیر این فعالیت‌ها از حقوق کپی‌رایت افزایش یافته، در عین حال در بستر این فضا، طریقی که مردم قادر به دسترسی به آثار ادبی و هنری می‌گردند، تغییر کرده است. برای مثال، خواندن کتابی که از یک کتابخانه قرض گرفته می‌شود هرگز نقض محسوب نشده و نخواهد شد زیرا این عمل شامل هیچ بازتولیدی نمی‌شود. در حالی که دسترسی به یک مدرک الکترونیکی از لحاظ تکنیکی، بازتولید محسوب و استفاده از آن یک نقض بالقوه کپی‌رایت را بوجود می‌آورد. این سهولت دسترسی در کنار امکانات فضای دیجیتال به کاربر اجازه می‌دهد که ضمن

1. Timothy Endicott and Michael Spence, "Vagueness in the Scope of Copyright", *Law Quarterly Review*, Issue 4, Vol. 121, (2005), at 672.

اشتراک‌گذاری آسان اثر کپی‌رایتی، از این آثار در تولید محتوا و مضامین جدید در فضای مجازی و سهولت ارتباط با دیگران بهره‌جوید.^۱ آنچه باید مورد توجه باشد آن است که نگاه به مالکیت کپی‌رایت هیچ‌گاه همانند مالکیت سایر اموال نبوده است. ایجاد تعادل بین حمایت از خالق و دسترسی جامعه به آثار، دغدغه همیشگی تدوین‌کنندگان قانون از همان مراحل اولیه بوده است. کپی‌رایت اگرچه بعنوان ابزاری مؤثر جهت ایجاد انگیزه و پاداش به خالق اثر عمل می‌کند هم‌زمان متأثر از ماهیت برجسته منافع عمومی، حدودی را برای محدودکنندگی در خود ایجاد کرده است.

دقت در پیشینه و ماهیت حقوق کپی‌رایت این حقیقت را آشکار می‌کند که همواره مجادله‌ای بین کنترل اثر و حق انحصاری خالق در منع دیگران برای استفاده از آثار با حق دسترسی به اطلاعات بعنوان بُعدی از آزادی بیان و مشارکت در زندگی فرهنگی وجود داشته است. از این‌رو، جستجو برای ایجاد تعادل مناسب بین خالق و جامعه یا به بیان صریح‌تر بین صاحب کپی‌رایت و استفاده‌کنندگان آثار کپی‌رایتی از ابتدا در حقوق کپی‌رایت مطرح بوده است.^۲

آنچه مسلم است آن است که هر خلق فکری حتی به اصیل‌ترین شکل ممکن، وابسته و وامدار میراث و سنت‌های فرهنگی موجود است، بنابراین حق دسترسی به آثار پیشین، منابع الهام و تاریخ فکری، جزء جدایی‌ناپذیر خلق اثر و موضوعات مشمول کپی‌رایت می‌باشد. کپی‌رایت بعنوان یک حق انحصاری، صاحب حق را برای کنترل اجزا و تمامیت اثر مجهز می‌نماید، اگر این تجهیز به شکلی باشد که شمول اثر خالق در اثر دیگری - با تنوع فکری و گوناگونی زیبایی‌شناسانه - منع شود، لاجرم این محدودیت به تحمیل محدودیت برای هر خلق فکری دیگر ختم خواهد شد.^۳ آن‌گاه این محدودیت تا آنجا ادامه می‌یابد که کمتر می‌توان شاهد تولید اثر خلاقانه جدیدی بود.

حقوق کپی‌رایت برای ایجاد این تعادل و نیل به اهداف مشترک با منفعت عمومی، سازوکارهایی را در قالب استثنائات و محدودیت‌ها پیش‌بینی نموده است. مدت حمایت

1. Lee, op.cit. at 33.

2. Moustaka, op.cit. at 12-13.

3. Ibid. at 16-17.

محدود، حق استفاده منصفانه^۱، دکترین امتزاج^۲ و اصل دوگانگی ایده و بیان^۳، سازوکارهای کپی‌رایت در جهت حفظ این تعادل است.

اصل دوگانگی ایده و بیان به جهت ارتباط مستقیم با حق آزادی بیان و بعنوان مهم‌ترین عامل مؤثر در سازوکارهای تعبیه شده برای ایجاد این تعادل، در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. اصل دوگانگی ایده و بیان: تراز حق آزادی بیان و کپی‌رایت

در ژوئن سال ۲۰۰۱، شرکت نشر میفلین^۴ اولین رمان چاپ شده از آلیس رندال^۵ به نام "بر باد می‌رود"^۶ را روانه بازار کرد. این رمان بر اساس رمان "برباد رفته" اثر مارگارت میچل^۷ که داستانی عاشقانه و حماسی از دوران جنگ داخلی آمریکا را روایت می‌کرد، نوشته شده بود و نژادپرستی و رفتار قیّم‌مآبانه با برده‌های آفریقایی-آمریکایی در این رمان را هدف انتقاد قرار داده بود. رمان رندال با بازگویی داستان "برباد رفته" از منظر یک برده دورگه نامشروع به نام سینارا^۸ (دختر شخصیت مامی^۹) شروع می‌شود. پس از آن با داستان‌های ناگفته برباد رفته - همان‌ها که "اسکارلت"^{۱۰} شخصیت اصلی رمان برباد رفته، فکر کردن به آن‌ها را به فردا موکول می‌کرد^{۱۱} - و سرانجام غم‌انگیز رابطه طوفانی رت^{۱۲} و اسکارلت از چشمان سینارا روایت می‌شود. برای این هدف، رندال نمی‌توانست به سادگی همان داستان "برباد رفته" را بازگو کند، بنابراین او تغییراتی ساختارشکنانه در باورهای به وجود آورد که رمان "برباد رفته" بر آن‌ها تکیه داشت. او جهانی را خلق کرد که اگرچه از لحاظ ظاهری همان زمین تارا و مزرعه دوازده بلوط^{۱۳} بود ولی اساساً با

1. Fair Use.
2. Merger Doctrine.
3. Idea Expression Dichotomy.
4. Houghton Mifflin.
5. Alice Randall.
6. Wind done Gone.
7. Gone with the Wind (1936) by Margaet Mitchell.
8. Cynara.
9. Mummy.
10. Scarlett.

۱۱. اشاره به مونولوگ معروف اسکارلت در رمان "I will think about that tomorrow".

12. Rhett.

۱۳. اشاره به لوکیشن‌های داستان برباد رفته "Tara & Twelve Oaks".

تصویر خام "برباد رفته" از برده‌های آفریقایی-آمریکایی متفاوت بود. با این وجود، رمان رندال؛ کاراکترها، لوکیشن‌ها، سیر پلات و ... را از رمان میچل گرفت و بخش زیادی از توصیفات کتاب اصلی را کپی کرد، تا جایی که خوانندگان رمان "بر باد می‌رود" که قبلاً رمان "برباد رفته" را نخوانده بودند، رمان رندال را تا اندازه‌ای نامفهوم و در قسمت‌هایی بی‌معنا توصیف کردند.

در پاسخ به این تصاحب عمدی، متولیان اموال و امور مارگارت میچل برای نقض حقوق کپی‌رایت و منع انتشار "برباد می‌رود" در دادگاه اقامه دعوا کردند^۱ و انتشار کتاب برای یک ماه متوقف شد. در آپریل ۲۰۰۱، قاضی دادگاه بدوی فدرال دستور موقت مبنی بر جلوگیری از انتشار رمان رندال صادر کرد ولی نهایتاً در می ۲۰۰۱، دادگاه تجدیدنظر در آتلانتا دستور موقت را لغو و اجازه فروش کتاب را صادر کرد.^۲

مشابه این اتفاق در ایران در مورد رمان "بامداد خمار" اثر فتانه حاج سیدجوادی رخ داد. رمان "بامداد خمار" داستان عبرت‌انگیز سیاه‌بختی دختری جوان و از خانواده‌ای اشرافی به نام محبوبه است که در نخستین روزهای زمامداری رضاشاه، عاشق یک شاگرد نجار به نام "رحیم" می‌شود و در برابر خانواده به قدری مقاومت می‌کند که آن‌ها به ازدواج او رضایت می‌دهند ولی او را از خانواده طرد می‌کنند. پس از انتشار این کتاب که به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های سال تبدیل شد، کتابی به نام "شب سراب" به نویسندگی ناهید / پژواک منتشر می‌شود و داستان "بامداد خمار" را از زبان رحیم (شخصیت منفی داستان) نقل می‌کند و در واقع قصد نقد نگاه طبقاتی و بورژوازی حاکم بر داستان بامداد خمار را دارد. در ادعای مطرح شده توسط نویسنده رمان "بامداد خمار"، کپی‌رایت اثر او توسط نویسنده رمان "شب سراب" نقض شده است.^۳

1. SunTrust Bank v. Houghton Mifflin co., 268 F.3d 1257 (2001).

2. Jeffery D, Grossett, The Wind Done Gone, Transforming Tara into a Plantation Parody, Case Western Reserve Law Review, Vol. 52, Issue 4, (2002), at 1114-1115.

۳. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به مصاحبه Parsnews با فتانه حاج سیدجوادی در تاریخ ۹۷/۳/۲۳. کد خبر: ۵۱۴۰۸۲ شایان ذکر است که نام هر دو کتاب برگرفته از یکی از ابیات قصیده مشهور سعدی است که در خصوص کتاب خانم پژواک توسط ممیزی وزارت ارشاد تغییر نام یافت: به راحت نفسی، رنج پایدار مجوی*** شب شراب نیرزد، به بامداد خمار

صرفنظر از نتیجه نهایی دعوی مطرح شده علیه رندال، آنچه برای هدف این مقاله ضرورت دارد، پرسشی است که قاضی دادگاه تجدیدنظر در مخالفت با استدلال وکیل رندال مبنی بر ضرورت و نیاز موکل او به اثر قبلی برای بیان دیدگاه خلاقانه و انتقادی خاصش، مطرح می‌کند: «آیا نویسنده رمان دوم، نمی‌توانست همانند نویسندگان دیگر، طریق دیگری برای نقد نظام برده‌داری به غیر از کپی از رمان "برباد رفته" اتخاذ کند؟»^۱ پاسخ به این سؤال را می‌توان در همین پرونده جستجو کرد. بعنوان مثال در رمان "برباد می‌رود" نویسنده، شخصیت نجیب و اشرافی "اشلی ویلکس"^۲ را تبدیل به یک فرد همجنسگرا کرده است و داستان مشهور "برباد رفته" را این بار با فرض تمایلات جنسی همجنسگرایانه/شلی بازگو نموده است. بی‌شک ایده آلیس رندال، همجنس‌گرایی یک مرد سفیدپوست از طبقه حاکم در جنوب قبل از جنگ داخلی آمریکا نیست بلکه ایده او آن است که اگر به طور خاص اشلی ویلکس یک همجنس‌گرا بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ عبارت دیگر او در پی نوشتن یک رمان تنها به قصد نقد نظام برده‌داری در آمریکا نبوده است بلکه نگاه غالب در رمان "برباد رفته" را بعنوان مصداقی از دیدگاه نژادپرستانه مورد انتقاد قرار داده است. بیان این ایده تنها در صورتی ممکن است که نویسنده رمان دوم بتواند از همان فضا، لوکیشن، دیالوگ، شخصیت‌ها و ... استفاده کند. اگر کپی‌رایت او را از بیان این ایده باز دارد قطعاً توانسته است از رشد یک هنرمند و بیان عقایدش جلوگیری نماید که این امر خلاف اهداف کپی‌رایت می‌باشد.

از سوی دیگر برخی مخالف استفاده نویسندگان و هنرمندان از آثار پیشین هستند. ایشان معتقدند وقتی اثری اصیل شکل می‌گیرد رابطه‌ای شخصی میان هنرمند و اثر او وجود دارد. زمانی که هنرمند اثری را خلق می‌کند قسمتی از شخصیت و روحش را در اثر هنری متبلور می‌سازد. عبارت دیگر، اثر هنری انبساطی از خود شخصی هنرمند است و تجربه زیسته و درونی او را بیرونی می‌سازد. اثر هنری به مثابه هویتی است که ریشه در افکار، شخصیت و تجربه درونی خالق دارد. حال اگر هنرمندی برای بیان ایده‌اش از بنای ساخته شده هنرمند دیگری بهره جوید و عمل وی مصداق نقض کپی‌رایت تلقی نگردد، خالقان اصیل با ناامنی در بهره‌برداری از آثارشان مواجه می‌گردند.

1. Patricia Loughlan, "The Marketplace of Ideas and the IDEA-EXPRESSION Distinction of Copyright Law", *Adelaide Law Review*, Vol. 23, (2002), at 437.

۲. یکی از شخصیت‌های اصلی رمان برباد رفته "Ashly Wilks".

حق دسترسی به آثار در جهت پیشبرد دانش و هنر و بهره‌گیری از آنها برای خلق‌های آتی و همچنین ایجاد حس امنیت و انگیزه برای خالقان و هنرمندان اصیل، دو کفه ترازویی است که ایجاد تعادل میان این دو همواره با چالش همراه بوده است. دوگانگی ایده و بیان به همراه دیگر استثنائات حقوق کپی‌رایت در پی ایجاد تعادل میان این رویکردهای متضاد و متناقض است.

۲-۱. دوگانگی ایده و بیان

حقوق کپی‌رایت از آثار اصیل^۱ حمایت می‌کند و هر ایده^۲، رویه^۳، فرآیند^۴، نظام^۵، روش کار^۶، مفهوم^۷، اصل^۸ یا کشف^۹ صرف‌نظر از فرمی که در آن تشریح شده، توصیف شده، نمایش داده شده یا تجسم بخشیده شده از حمایت کپی‌رایت استثناء شده است. همچنین، واقعیت‌های خارجی نیز قابل حمایت کپی‌رایت نیستند. در واقع، حمایت کپی‌رایت فقط به بیان ایده‌ها یا واقعیت‌های خاص خارجی تعلق می‌گیرد نه به خود آن ایده‌ها و وقایع. برای مثال بیان یک نمایشنامه درباره عاشقان ناکام، قابل حمایت کپی‌رایت است ولی ایده عاشقان ناکام، قابل حمایت نخواهد بود. نگارش یک داستان از سانحه هیندنبورگ^{۱۰}

1. Original.
2. Idea.
3. Procedure.
4. Process.
5. System.
6. Method of Operation.
7. Concept.
8. Principle.
9. Discovery.

۱۰. Hindenburg Disaster واقعه آتش‌سوزی در کشتی هوایی الزد ۱۲۹ هیندنبورگ است که در تاریخ ۶ مه ۱۹۳۷ میلادی رخ داد. این کشتی هوایی مسافربری از فرانکفورت در آلمان عازم فرودگاه "جی بی ام دی ال لیک‌هرست" در ایالات متحده آمریکا بود که به علت برخورد با دکل زمینی در شهر منچستر ایالت نیوجرسی، آتش گرفت و سقوط کرد. در طی این سانحه، ۱۳ مسافر، ۲۲ خدمه کشتی و یک نفر از کارگرانی که روی زمین در حال کمک بودند، کشته شدند و ۶۲ نفر از مسافران نجات پیدا کردند. این واقعه سبب بازنگری در قوانین مربوط به استفاده از کشتی هوایی برای حمل‌ونقل و سرآغازی برای منسوخ‌شدن استفاده از کشتی‌های هوایی شد. فیلم سینمایی این واقعه نیز ساخته شده است.

ممکن است قابل حمایت کپی‌رایت باشد ولی وقایع ضمنی مربوط به آن فاجعه که خالق در کتابش گنجانده است، قابل حمایت نیستند.^۱

حمایت کپی‌رایت تنها به بیان تعلق می‌گیرد، بنابراین لازم است بیان از ایده تفکیک شود. هدف اولیه از چنین تفکیکی، تعیین دقیق آن چیزی است که توسط کپی‌رایت حمایت می‌شود و آنچه به حیطه عمومی تعلق می‌گیرد. این تعیین باعث اطمینان خالق است که قصد انتشار اثرش را دارد، او می‌تواند انتظاری معقول از حمایت حقوقی که برایش مقرر شده، داشته باشد. نتیجه آن که خالقان و مخترعان در حیطه مشخص حمایت قانونی که برایشان فراهم شده، خلق می‌کنند و عموم از انتشار دانش و هنر آنان منتفع می‌گردند.^۲

۲-۲. دوگانگی ایده و بیان به مثابه پارسنگ ترازو

همانطور که در بخش قبلی بیان شد، حقوق کپی‌رایت از ایده‌های تجسم‌یافته در اثر یا ایده‌هایی که باعث الهام اثر شده حمایت نکرده و تنها از بیان آن ایده‌ها حمایت می‌کند. به عبارتی، در همان حال که کپی‌رایت از تکرار و استفاده از ایده‌ها و اطلاعات مشمول در یک اثر حمایت شده جلوگیری نمی‌کند، کپی‌کردن فرم بیان استفاده شده در آن اثر را منع می‌کند. این سازوکار بسیاری از جلوه‌های تضاد بین کپی‌رایت و آزادی بیان را کمرنگ می‌سازد زیرا بیان ایده‌ها و اطلاعات در فرم بیان متفاوت را مجاز می‌داند.

بازتاب این دیدگاه به روشنی در پرونده معروف به "هارپر" مشهود است. در این پرونده، خواهان مالک حقوق متعلق به خاطرات رئیس جمهور آمریکا جرالده فورده^۳ بود. یک کپی از اتوبیوگرافی دست‌نوشته جرالده فورده به دست خواننده افتاد و آن‌ها در یک مقاله، نقل‌قولی از فورده را درباره عفو نیکسون کپی کردند. پس از شکایت خواهان و در جریان دادرسی، اگرچه دادگاه عالی نهایتاً دفاع "استفاده منصفانه" را در خصوص خاطرات چاپ‌نشده پذیرفت و رأی علیه خواننده صادر کرد ولی ضمن تأکید بر

1. Jeanne C, Fromer, "An Information Theory of Copyright Law", Emory Law Journal, Vol. 64, No. 71, (2014), at 97-98.

2 Andrew B, Hebl, "A Heavy Burden: Property Application of Copyright's Merger and Scenes a Fair Doctrines", Wake Forest Intellectual Property Law Journal, Vol. 8, No. 1, (2008), at 108.

3. Gerald Ford.

دوگانگی ایده و بیان در رأی خود، اشاره کرد که منافع عمومی اقتضاء دارد که جامعه از موضع یک چهره سیاسی درباره یک رویداد تاریخی مطلع باشد و در اینجا منافع عمومی بر حق کپی‌رایت ارجحیت می‌یابد.^۱

در این پرونده، دادگاه با اشاره به دوگانگی ایده بیان و منافع عمومی جامعه در دسترسی به اطلاعات، استفاده خواننده از اثر خواهان را مصداق نقض تلقی نکرده است. اگرچه حقوق مربوط به خاطرات رییس جمهور "فورد" متعلق به خواهان بود لیکن از نظر دادگاه، اتوبیوگرافی و خاطرات یک شخصیت معروف، ایده و موضوعی است که هر نویسنده و هنرمندی مجاز می‌باشد بر اساس آن و با استفاده از آن به خلق اثر پردازد. عبارتی، خاطرات همچون واقعیت‌ها، متعلق به حیطه عمومی بوده و منافع عمومی جامعه اقتضا می‌کند که همه توان دسترسی به آن را داشته باشند.

در پرونده مشابه دیگری که به نام پرونده/شدون شهرت دارد، قسمتی از خاطرات در شرف چاپ پدی/شدون^۲ (رهبر پیشین حزب لیبرال دموکرات) که شامل دقیقه‌ای از یک جلسه سرّی میان او با نخست وزیر وقت انگلستان بود بدست روزنامه تلگراف^۳ افتاد. این روزنامه در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۹ این بخش از خاطرات را با عنوان "مدرک درز کرده"^۴ چاپ کرد و بلافاصله اشدون بر مبنای نقض کپی‌رایت و نقض محرمانگی از تلگراف شکایت کرد. تلگراف در دفاع از خود به استفاده منصفانه و منافع عمومی استناد کرد، همچنین برای اولین بار وکلای خواننده مستند به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خواستار استثنای آزادی بیان بر حقوق کپی‌رایت شدند. دادگاه تجدیدنظر در پاسخ به دفاعیات خواننده، صراحتاً به اصل دوگانگی ایده و بیان اشاره نمود و این اصل را سازوکار تعبیه شده برای حل تعارض میان آزادی بیان و حقوق کپی‌رایت معرفی نمود. در نهایت دادگاه با تأکید بر این موضوع که به اقتضای اصل دوگانگی ایده و بیان، شهروندان مجاز در بیان ایده‌ها و انتقال اطلاعات هستند؛ بازتولید روزنامه تلگراف از خاطرات اشدون را ورای

1. Cook, op.cit. at 16.

2. Paddy Ashdown.

3. The Telegraph.

4. Leaked Document.

ضرورت‌های لازم در ارائه گزارش از واقعیت‌ها تشخیص داد و حکم به نفع خواهان صادر کرد.^۱

از مفاد این رأی می‌توان نتیجه گرفت که از جمله کارکردهای اصل دوگانگی ایده و بیان در حقوق کپی‌رایت، تضمین عدم محدودیت آزادی بیان است. تفکیک میان ایده غیرقابل حمایت از بیان، مورد حمایت در کپی‌رایت موجب دسترسی آسان و آزاد پدیدآورندگان به آثار پیشین می‌گردد. پدیدآورندگان خلاق و مبتکر با استناد به این اصل می‌توانند ضمن استفاده از آثار پیشین و ایده‌های آن با بیان و شکل خاص خود آثار جدیدی را بیافرینند و در عین حال که از آزادی برخوردار باشند از نقض آثار مورد حمایت کپی‌رایت نگران نباشند. با اینکه اصل دوگانگی ایده و بیان می‌تواند حمایت لازم و ضروری را از آزادی بیان فراهم سازد، در عین حال دارای ابعادی پیچیده و قابل تأمل است. برای بررسی آن بایستی با مفهوم نقض کپی‌رایت آشنا شویم.

۳-۲. نقض اثر در پرتو اصل دوگانگی ایده و بیان

زمانی که شخصی متهم به نقض کپی‌رایت در یک اثر ادبی یا هنری می‌گردد، تمسک به اصل آزادی بیان و استناد به دوگانگی ایده و بیان از جمله روش‌های شایعی است که خواننده برای رهایی خود از بار مسوولیت بکار می‌گیرد. هرچند رژیم کپی‌رایت با اعطای حق کنترل بر اثر ادبی و هنری، به دنبال ایجاد انگیزه برای خلق بیشتر و بهره‌برداری انحصاری از اثر توسط پدیدآورندگان است ولی این حقوق نباید به حدی گسترش یابد که از گستره این اهداف فراتر رود و مانعی ناروا در مقابل استفاده دیگران فراهم سازد. در چنین صورتی تعیین آنچه مصداق نقض کپی‌رایت است و منجر به از بین رفتن انگیزه تولید، انتشار و بهره‌برداری از اثر می‌گردد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۲

«نقض حقوق مؤلف، اجرا و اعمال هر یک از اقداماتی است که به موجب قانون منحصراً در اختیار پدیدآورنده یا ورثه اوست بدون آنکه مجوزی برای این امر وجود

1. Michael D, Birnhack, "Acknowledging the Conflict between Copyright Law and Freedom of Expression under the Human Right Act", Entertainment Law Review, Vol. 14, (2008), at 14-24.

2. Andrew F, Christie, "Copyright Protection for Ideas: An Appraisal of the Traditional View", Monash University Law Review, Vol. 10, (1984), at 181-182.

داشته باشد»^۱ در دعاوی نقض کپی‌رایت، احراز سه موضوع در اثبات نقض ضرورت دارد؛ اول آنکه بایستی بین اثر خواهان و خواننده شباهت وجود داشته باشد به نحوی که اگر اثر اول بوجود نیامده بود اثر دوم به این شکل بوجود نمی‌آمد. بعبارت دیگر نقض در صورتی ثابت می‌شود که اثر خواننده شبیه به اثر خواهان باشد و اثر خواهان علت بوجود آمدن اثر خواننده باشد. دومین شرط آن است که این شباهت بعلت دسترسی خواننده به اثر خواهان بوجود آمده باشد. بعبارت دیگر اگر امکان دسترسی به اثر خواهان برای خواننده میسر بوده و خواننده نیز نتواند تصادفی بودن شباهت‌ها را اثبات کند، شروط اولیه در احراز نقض کپی‌رایت فراهم است.^۲

سومین شرط آن است که عمل نقض بایستی در رابطه با "بخش اساسی"^۳ از اثر خواهان اتفاق افتد. "بخش اساسی" آن قسمتی از اثر است که منظور و مفهوم کل اثر در آن قرار دارد یا اثر با آن بخش به یاد آورده می‌شود.

"بخش اساسی" را می‌توان جوهره اصلی و عمده اثر تعبیر کرد. آن بخش یا بخش‌هایی که روح کلی اثر را تشکیل می‌دهد و به دلیل همین بخش‌ها اثر واجد اصالت گردیده و از حمایت کپی‌رایت برخوردار شده است را می‌توان "بخش اساسی" نام برد. این بخش‌ها منعکس‌کننده شخصیت پدیدآورنده است و اخذ بدون مجوز آن توسط خواننده، دعوی نقض را به اثبات می‌رساند.^۴

تعیین "بخش اساسی" اصولاً با چالش‌های بسیاری برای دادگاه همراه است، به همین دلیل قضات مجموعه‌ای از عوامل و آزمون‌ها را برای تشخیص آن بکار می‌گیرند. بعنوان مثال در کانادا قاضی ریچارد^۵ در جریان رسیدگی به دعوی بلاک،^۶ فهرستی از سؤالاتی که در تعیین اساسی بودن بخش گرفته شده توسط دادگاه بایستی پاسخ داده شود، تهیه کرد:

* کمیت و کیفیت بخش گرفته شده چه میزان است؟

۱. پژمان محمدی، «نقد یک رأی در مورد مالکیت ادبی و هنری مفهوم و معیارهای اثر و نقض حقوق مالی آن»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۲، شماره ۲، (۱۳۹۱)، ص ۲۸۲.

2. Andrew F, Christie, op.cit. at 181-182.

3. Substantial Part.

۴. محمدی، همان، صص ۲۸۴-۲۸۵.

5. Richard J.

6. U & R Tar services Ltd V. H.R Block, (1995), 97 F.T.R.259 (TD).

- * تأثیر منفی استفاده خواننده بر ارزش اثر خواهان چقدر است؟
- * آیا قسمت‌های گرفته شده توسط خواننده، موضوع حمایت کپی‌رایت است؟
- * آیا استفاده خواننده از اثر خواهان با قصد صرفه‌جویی در زمان و تلاش بوده است؟
- * آیا بخش‌های گرفته شده توسط خواننده در سبک یکسان با خواهان استفاده شده است؟^۱

بنابراین زمانی که قالب و طریق بیان خواننده، برگرفته از خواهان نباشد و تنها ایده اثر اخذ شده باشد، آن ایده نیز به حدی عمومی باشد که ورود آن در اثر دیگری، تأثیری بر ارزش و بازار اثر خواهان نداشته باشد، به طور مسلم نقضی اتفاق نیفتاده است. بعنوان مثال کپی کردن این ایده که پدری مسئول قتل غیرعمدی پسر محبوبش می‌گردد، به سختی می‌تواند تأثیری بر موفقیت هنری یا تجاری نمایشنامه "همه پسران من"^۲ داشته باشد و جلوگیری از استفاده از این ایده می‌تواند تأثیر ناروا بر نویسندگان نمایشنامه‌ها در آینده داشته باشد.^۳ ولی زمانی که با ایده‌ای خاص و دارای ویژگی‌های منحصر به فرد مثل ایده "فردریش دورنمات"^۴ در نمایشنامه "ملاقات با بانوی سالخورده"^۵ مواجهیم، لاجرم تشخیص نقض نیز با چالش همراه خواهد بود.

۴-۲. ابهام در اصل دوگانگی ایده و بیان

تمایز بین ایده و بیان و شناخت آنچه قابل حمایت و غیرقابل حمایت کپی‌رایت است، همیشه کار ساده‌ای نیست. آن‌گونه که قاضی هند^۶ در پرونده مشهور نیکولز^۷ می‌گوید: «نقض کپی‌رایت نمی‌تواند محدود به کپی لفظ به لفظ متن گردد، در این صورت، سارق ادبی با اعمال تغییرات اندک، از مجازات رهایی می‌یابد. سرقت ادبی ممکن است تنها به

1. Endicott, op.cit. at 17.

2. "All My Sons" Play by Arthur Miller 1946.

3. Ibid. at 15-16.

۴. نمایشنامه سویسی Friedrich Durrenmatt

۵. به آلمانی Der Besuch der alten

زنی سالخورده و بسیار ثروتمند پس از سال‌ها به زادگاه فقیرش بازمی‌گردد و پیشنهاد می‌دهد که در ازای کشتن معشوق دوران جوانی‌اش به دست مردم، مبلغ مورد نیاز ساکنان زادگاهش را در اختیار آنها قرار دهد.

6. Hand J.

7. Nichols v. Universal Pictures Corporation, 45 F.2d 119 (1930).

تصاحب یک صحنه مهم یا یک دیالوگ کلیدی تعلق گیرد یا خلاصه‌ای از کل اثر باشد؛ در این موارد تصمیم‌گیری بسیار سخت است و سؤال این است که آیا آن قسمت "اساسی" تلقی می‌شود یا خیر؟ هیچ‌کس هرگز نمی‌تواند این مرز را به صورت دقیق تعیین کند و تا به حال نیز نتوانسته است.^۱

اصل دوگانگی ایده و بیان اصلی قابل انعطاف و نامعین توصیف شده است. اگر دادگاه‌ها قلمرویی محدود برای ایده و حیطه‌ای وسیع برای بیان در نظر بگیرند، ادعاهای نقض کپی‌رایت گسترش می‌یابد. برعکس، اگر محدوده وسیعی از ایده و حیطه محدودی برای بیان اتخاذ کنند، آثار کمتری مشمول نقض می‌گردند. تا زمانی که مرز بین ایده و بیان نامشخص و نامعلوم است، حیطه حمایت کپی‌رایت نیز دارای ابهام می‌باشد.^۲

همانگونه که پیشتر گفته شد، حقوق کپی‌رایت تنها از بیان ایده‌ها حمایت می‌کند و نه از خود ایده‌ها. زمانی که ایده کپی شده از اثر دیگری، ساده و عمومی باشد (مانند مثال همه پسران من). عمل به این اصل در پروسه رسیدگی به دعوی نقض مشکلی به وجود نمی‌آورد زیرا صدها اثر هنری می‌توانند در مورد یک موضوع و ایده عمومی خلق گردند، بدون آنکه به حقوق صاحب اثر اولیه خللی وارد شود. حتی در بیشتر موارد شناخت کسی که چنین ایده‌ای را اولین بار دستمایه‌ی ساخت اثرش قرار داده، امکان‌پذیر نیست. گویی این ایده در سابقه تاریخی ذهن بشر وجود داشته است. بنابراین آنچه قابل حمایت کپی‌رایت دانسته می‌شود تنها شکل بیان آن ایده و طریقه ساخته و پرداخته شدن موضوع در بطن اثر است.

مشکل جایی بروز می‌کند که ایده اثر به حدی ویژه و منحصر به فرد می‌باشد که "بخش اساسی" از اثر را شامل می‌گردد. فرض کنید نویسنده‌ای ایده تکان‌دهنده "ملاقات بانوی سالخورده" را در اثر خود کپی کند. وقتی هویت خاص خلق شده توسط خالق اصلی به تصاحب دیگری درمی‌آید، دادگاه نمی‌خواهد و نمی‌تواند بر نقض آشکار حقوق خالق چشم فروبندد. در این حالت دادگاه‌ها آنچه به طور منطقی بایستی "ایده" نامیده شود را "بیان" تلقی می‌کنند تا بتوانند از نقض کپی‌رایت جلوگیری کنند.

1 Ronald B, Standler, "Ideas Not Copyrightable", (13 April 2013) <www. rb2. cidea.pdf>, (2013), at 14.

2. Lee, op.cit. at 77.

در زمینه کپی‌رایت و آزادی بیان، این نامعلومی ذاتی در دوگانگی ایده و بیان ممکن است منجر به خودسانسوری و دل‌سردی در ابراز بیان و عقیده گردد زیرا عدم وجود یک خط روشن میان ایده و بیان، می‌تواند افراد را در معرض نقض ناخودآگاه و غیر عمدی کپی‌رایت قرار دهد.

۵-۲. امتزاج ایده و بیان

در بسیاری از مصادیق آثار هنری مثل آثار تجسمی، آثار عکاسی، فیلم و آثار صوتی تصویری که در آن‌ها فرم بیان اثر با مضمون آن رابطه تنگاتنگی دارد، اغلب فاصله معناداری میان ایده و بیان وجود ندارد. بعبارت دیگر در آثار تجسمی، اغلب اوقات تفکیک ایده از بیان (محتوا از فرم) سخت یا ناممکن است. چه کسی می‌تواند تعیین کند که ایده "لئوناردو داوینچی"^۱ در خلق نقاشی مشهور "لبخند ژکوند" پرتراهی از مونالیزاست یا زنی با لبخندی مرموز؟

همچنین برخی از ایده‌های معین دارای بیانی ناگزیر یا ضروری هستند. در این حالت، حمایت کپی‌رایت به آن فرم از بیان که به وسیله موضوعات ضمن اثر دیکته شده است، تعلق نمی‌گیرد و کپی کردن هر میزان از آن بیان، مجاز تلقی می‌شود. این حالت اصطلاحاً "دکترین امتزاج" نامیده می‌شود.^۲ برخی ایده‌ها تنها با فرم‌های محدودی، قابلیت بیان می‌یابند و امکان بیان آنها در قالب و شکل دیگری میسر نیست. در این موارد استفاده از فرم بیان قبلی ناگزیر است و نقض کپی‌رایت محسوب نمی‌شود. بعنوان مثال، طراحی پوستر نامزدهای انتخاباتی در اکثر مواقع شامل یک دست در حال انداختن برگه رأی در داخل صندوق رأی و عکسی از کاندیدای نمایندگی است. اگر شخصی این فرم بیان را کپی کند، مرتکب نقض کپی‌رایت نشده است.

دکترین "صحنه‌های مشابه"^۳ نیز به طور مشابه، مجوز استفاده از برخی بیان‌های خاص را صادر می‌کند. این دکترین بیشتر در مورد آثار ادبی و تصاویر متحرک مصداق دارد. با استناد به این دکترین، کاراکترها و موقعیت‌های مشابه که استفاده از آنها در یک ژانر

1. Leonardo Da Vinci.

2. Edward C. Wilde, "Replacing the Idea/Expression Metaphor with a Market-Based Analysis in Copyright Infringement Actions", Whittier Law Review, Vol. 16, No. 3, (1995), at 820.

3. Scenes a Fair.

معمول است، مثل حوادث یا شخصیت‌های معمول برای یک دوره تاریخی خاص، توسط کپی‌رایت حمایت نمی‌شوند.^۱ بعنوان مثال در اکثر فیلم‌ها و انیمیشن‌هایی که موضوع آن در آینده اتفاق می‌افتد، وجود ماشین‌های پرنده، ربات‌های خدمتکار و محل‌های مجهز به هوش مصنوعی از اقتضائات فضای داستانی تلقی می‌شود و وجود آن در اثر منجر به نقض کپی‌رایت اثر پیشین نمی‌گردد.

در خاتمه این بخش ضروری است که به مثال‌های آغازین این بخش در خصوص رمان "برباد رفته" و "بامداد خمار" برگردیم. آنچه نویسندگان لاحق با این آثار انجام دادند، گرچه به قصد نقد دیدگاه حاکم بر فضای آن داستان‌ها و نگاه منصفانه به روایت نقل شده خالق اولیه است ولی اگر نتواند در حیطه استفاده منصفانه قرار گیرد، ناقض اثر اولیه تلقی می‌شود. اصل دوگانگی ایده و بیان به منظور تضمین آزادی بیان به نویسنده دوم حق می‌دهد برای بیان نقد خود، ایده عمومی و کلی این آثار یعنی "داستانی عاشقانه در جریان جنگ داخلی آمریکا" و "ازدواج عاشقانه و بدفرجام دختر ثروتمند و پسر فقیر" را استفاده کند؛ اما نویسنده دوم به بهانه نقد اثر نمی‌تواند از کاراکترها، فضاها، دیالوگ‌ها و سیر پلات داستان اول استفاده کند. این سواری مجانی بر بنای فکری ساخته شده خالق اول، نه تنها حق مادی صاحب کپی‌رایت برای اجازه اقتباس و دنباله اثرش را زایل می‌سازد و باعث تضییع حقوق او می‌گردد بلکه باعث دارا شدن بلاجهت خالق دوم و استفاده مجانی او از شهرت آثار اولیه می‌گردد. همانطور که حداقل در ایران فروش رمان "شب سراب" به علت شهرت و محبوبیت رمان "بامداد خمار" بود. فلسفه وجودی حقوق کپی‌رایت، صیانت از حقوق پدیدآورندگان اصیل و جلوگیری از چنین سوءاستفاده‌هایی است.

نتیجه‌گیری

تصور عمومی در خصوص مناسبات کپی‌رایت و آزادی بیان مبتنی بر تقابل منافع عمومی جامعه با منافع فردی پدیدآورنده است. عموم مردم به گسترش و انتشار آثار تألیفی، دسترسی آسان و ارزان به استفاده از این آثار بعنوان عناصر سازنده تألیفات بعدی معتقد هستند. از سوی دیگر مؤلف تمایل دارد از لحاظ مالی و همچنین از حیث فرهنگی بر کار

1. Ibid. at 822.

خود نظارت داشته باشد و تا زمانی که اثر، مورد حمایت قانون گذار است مردم برای استفاده از اثر از صاحب آن مجوز دریافت کنند. نظام حقوقی کپی رایت با ایجاد سازوکار دوگانگی ایده و بیان این تضاد ظاهری منافع را از میان برداشته است. بر اساس این اصل، عاریت گرفتن ایده‌ها، اطلاعات و حقایق موجود در آثار مورد حمایت، آزاد و مشمول حمایت قواعد کپی رایت نمی‌گردد. نویسنده تنها در بیان خود حق کپی رایت دارد و این نظام حقوقی به او حق انحصار در استفاده از ایده‌ها و حقایق را حتی اگر آن ایده‌ها و اطلاعات اصیل و جدید باشد نمی‌دهد. ایده‌ها، اطلاعات و حقایق موجود در یک نوشته مالکیت عمومی دارند و همه می‌توانند آزادانه از آن‌ها استفاده کنند و تنها شکل و فرم بیان آن ایده‌ها به نویسنده تعلق خواهد داشت. در نتیجه نویسندگان و هنرمندان مختلف می‌توانند ایده‌ها و واقعیت‌های یکسانی را به شیوه و سبک خاص خود بیان کنند و کپی رایت فقط نسبت به این شیوه‌ها و سبک خاص اعمال می‌شود. این امر موجب مشارکت بسیاری از افراد در استفاده و به کار بردن مجموعه‌ای از ایده‌ها می‌شود و آزادی بیان بدون هیچگونه محدودیتی تضمین می‌گردد. اصل دوگانگی ایده و بیان یک اصل آشکارا محوری در نظام کپی رایت است و هدف اصلی آن ایجاد تعادل میان منافع رقابتی پدیدآورندگان در خصوص تلاش‌های خلاقانه منحصر به فرد با منافع عمومی جامعه در خصوص آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات است. ایده‌های پدیدآورندگان به صورت آزادانه در دسترس عموم قرار می‌گیرد تا برای پیشرفت و توسعه فکری و فرهنگی جامعه استفاده شود و در نتیجه علم و هنر ارتقا می‌یابد. با پیش‌بینی دوگانگی ایده و بیان به همراه دیگر استثنائات و منع اشخاص از بیان به طریق مشابهی که دیگری بیان کرده، بر اصل آزادی بیان هیچ محدودیت و اثر زیان‌بخشی وارد نمی‌شود. بیان عقاید و نظریات شخص دیگر در کلمات و فرم یکسان برای توسعه ایده‌ها ضرورت نخواهد داشت. گفتن آنچه دیگری گفته و به طریقی که او انتخاب کرده باعث توسعه و ارتقای سطح علم و هنر که هدف آزادی بیان است نمی‌گردد و بالعکس کپی رایت با اجبار اشخاص برای برگزیدن فرم و طریق منحصر به فرد خود و استفاده از کلمات خودشان موجب توسعه هویت فردی آنان می‌شود و از این طریق هویت فرهنگی و علمی جامعه ارتقا می‌یابد. اصل دوگانگی ایده و بیان توانسته میان حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثار با حق آزادی بیان برای تمامی افراد جامعه، موازنه‌ای عادلانه ایجاد کند.

منابع

مقاله‌ها

- زاهدی، مهدی و شیرین شریف‌زاده، «حق دسترسی به اطلاعات: کپی‌رایت یا کپی‌لفت»، در: *از حق مداری تا حکومت قانون*، مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمد محمدی (گرگانی)، تهران: انتشارات گنج دانش، (۱۳۹۶).
- حبیبی مجنده، محمد، «هم‌افزایی کپی‌رایت و آزادی بیان»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۹۷، (۱۳۹۲).
- حکمت‌نیا، محمود و محمد موحدی ساوجی، «جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری»، *مجله فقه و حقوق*، سال دوم، شماره ۹۴، (۱۳۸۵).
- محمدی، پژمان، «نقد یک رأی در مورد مالکیت ادبی و هنری مفهوم و معیارهای اثر و نقض حقوق مالی آن»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۲، شماره ۲، (۱۳۹۱).

References

Books

- Gorman, Robert A, *Copyright Law* (USA: Federal Judicial Center Publication, 2006).
- Lee, Yin Harn, *Copyright and Freedom of Expression: A Literature Review* (England: CREATE Working Paper 2015).
- Mendis, Sunimal, *Copyright, the Freedom of Expression and the Right to Information: Exploring a Potential Public Interest Exception to Copyright in Europe* (Munich: Intellectual Property Law Center - MIPLC, Nomos Publishers, 2011).
- Moore, Adam, *Intellectual Property and Information Control: Philosophic Foundations and Contemporary Issues* (US: University of Washington Seattle, 2004).
- Wipo Intellectual Property Handbook, Second Edition (2004).

Articles

- Birnhack, Michael D, "Acknowledging the Conflict between Copyright Law and Freedom of Expression under the Human Right Act", *Entertainment Law Review*, Vol. 14, (2003).

- Christie, Andrew F, “Copyright Protection for Ideas: An Appraisal of the Traditional View”, *Monash University Law Review*, Vol. 10, (1984).
- Cook, Amanda Beshears, “Copyright and Freedom of Expression: Saving Free Speech from Advancing Legislation”, *Chicago-Kent Journal of Intellectual Property*, Vol. 12, No. 1, (2013).
- Endicott, Timothy. Spence, Michael, “Vagueness in the Scope of Copyright”, *Law Quarterly Review*, Vol. 121, Issue 4, (2005).
- Freedom of Expression, “Anonymous, Equality and Human Rights Commission”, www.equalityhumanrights.com, Published February 2015. (v1.1 March 2015), (2015).
- Fromer, Jeanne C, “An Information Theory of Copyright Law”, *Emory Law Journal*, Vol. 64, No. 71, (2014).
- Grossett, Jeffery D, “The Wind Done Gone, Transforming Tara into a Plantation Parody”, *Case Western Reserve Law Review*, Vol. 52, Issue 4, (2002).
- Hebl, Andrew B, “A Heavy Burden: Property Application of Copyright’s Merger and Scenes a Fair Doctrines”, *Wake Forest Intellectual Property Law Journal*, Vol. 8, No. 1, (2008).
- Loughlan, Patricia, “The Marketplace of Ideas and the IDEA-EXPRESSION Distinction of Copyright Law”, *Adelaide Law Review*, Vol. 23, (2002).
- Madison, Michael J, “IP Things as Boundary Objects: The Case of the Copyright Work”, *Laws*, Vol. 6, (2017).
- Pitts, Edward I, “Spinoza on Freedom of Expression”, *Journal of the History of Ideas*, Vol. 47, No. 1, (1986).
- Sedler, Robert Allen, “An Essay on Freedom of Speech: The United States Versus the Rest of the World”, *Michigan State Law Review*, Vol. 2, (2006).
- Sandler, Ronald B, “Ideas Not Copyrightable”, (13 April 2013) <www.rb2.cidea.pdf>, (2013).
- Wilde, Edward C, “Replacing the Idea/Expression Metaphor with a Market-Based Analysis in Copyright Infringement Actions”, *Whittier Law Review*, Vol. 16, No. 3, (1995).

Thesis

- Bakhariev, Legor, “Special Approach for Musical Works in Relation to the Idea-Expression Dichotomy in Copyright Law”, Faculty of Law, Lund University, (2016).
- Moustaka, Evanthia, Maria, “REINVENTING COPYRIGHT The Scope, The Depth and the Edges of Copyright Protection Through the Idea/expression Dichotomy”, International Hellenic University (2018).

Case Law

- Ashdown MP PC v. Telegraph Group Ltd [2001] EWCA Civ 1142.
- Harper & Row, Publishers Inc. v. Nation Enterprise (1985) 471 U.S.539.
- Nichols v. Universal Pictures Corporation,45 F.2d 119 (1930).
- SunTrust Bank v. Houghton Mifflin co.,268 F.3d 1257 (2001).
- U & R Tarservices Ltd v. H.R Block (1995), 97 F.T.R.259 (TD).

